

سوالات و پاسخ تشریحی سوالات درس حقوق تجارت

آزمون قضاوت ۹۵

پاسخ های ارائه شده پیشنهادی هستند، با استفاده از نظرات اساتید و صاحب نظران این مجموعه کامل تر خواهد شد، برای ارائه نظرات خود [اینجا کلیک کنید](#)، ویرایش های بعدی این مطلب را از [اینجا دریافت کنید](#)

ویرایش نخست

تهیه و تنظیم: [سیاوش هوشیار](#) - [مونا زنده دل](#)

۳۱. در خصوص اختیارات و مسئولیت های قانونی دلال، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) ضامن اعتبار و ملاتت اشخاصی است که برای آنها دلالتی می کند.
- (۲) نمی تواند به جای یکی از طرفین معامله، مبلغ قرارداد را قبض نماید.
- (۳) در خصوص ارزش و قیمت مال التجاره ای که معامله می شود مسئول است.
- (۴) اگر در معامله سهمیم باشد، با آمر خود مشترکاً مسئول اجرای تعهد است.

گزینه ۲ صحیح است.

مطابق ماده ۳۳۸ قانون تجارت «دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد».

گزینه ۱ صحیح نیست، چون طبق ماده ۳۴۳ قانون تجارت، ضامن اعتبار اشخاصی که برای آن ها دلالتی می کند نیست: «دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالتی میکند و ضامن اجرای معاملاتی که بتوسط او می شود نیست».

گزینه ۳ صحیح نیست، طبق ماده ۳۴۴ قانون تجارت: «دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده».

گزینه ۴ صحیح نیست، طبق ماده ۳۴۷ قانون تجارت در فرض مطرح شده دلال با آمر «متضامناً» مسئول است و نه «مشترکاً»: «در صورتیکه دلال در معامله سهمیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود».

۳۲. دو نفر به عنوان ضامن صادرکننده سفته ای، ظهر آن را امضا می کنند. به لحاظ قانونی، مسئولیت هریک از آنها در برابر دارنده سفته و در برابر یکدیگر، به ترتیب چگونه است؟

(۱) تضامنی - مسئولیتی ندارند

(۲) مشترک - مشترک

(۳) تضامنی - تضامنی

(۴) تضامنی - مشترک

گزینه ۴ صحیح است

با توجه به ذیل ماده ۲۴۹ قانون تجارت «...ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.»، ضامن سند تجاری مسوولیت تضامنی با مضمون عنه خود دارد.

طبق ماده ۴۰۳^۱ قانون تجارت، ضمانت وقتی تضامنی است که یا در قوانین تصریح شده باشد و یا در مورد آن قرارداد و توافقی انجام شده باشد، بر این اساس اصل را باید بر مسوولیت غیر تضامنی دانست، در مورد تعدد ضامنین یکی از مسوولان سند تجاری هم باید قائل بر این باشیم که هر چند مسوولیت هر یک از ایشان نسبت به صادرکننده تضامنی است، ولی عملاً آن‌ها به طور مشترک ضمانت را بر عهده گرفته اند و در فرض سوال اگر قرار خاصی در میان نباشد، هر یک از ضامنین که کل مبلغ سفته را پرداخته باشد می تواند نسبت به نیمی از مبلغ به ضامن دیگر رجوع کند.

۳۳. اظهارات و اطلاعات ثبت شده در دفتر ثبت تجارتی چه حکمی دارد؟

(۱) صرفاً جنبه اعلامی دارد و له یا علیه شخص، قابل استناد نیست.

(۲) به ضرر اظهارکننده، دلیل محسوب می شود.

(۳) به ضرر اظهارکننده، اماره ای است که خلاف آن قابل اثبات نیست.

(۴) به ضرر اظهارکننده، اماره ای است که خلاف آن قابل اثبات است.

^۱ ماده ۴۰۳- در کلیه مواردی که بموجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می تواند بضمن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع بیکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب بدیگری رجوع نماید.

گزینه ۴ صحیح است

ابتدا باید توجه داشته باشیم که «دفتر ثبت تجاری» موضوع ماده ۱۶^۲ قانون تجارت با «دفاتر تجاری» شامل دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی و دفتر کپی متفاوت است، «دفتر ثبت تجاری» دفتری است که کلیه تجار به جز کسبه جزء باید نام خود را در آن به ثبت برسانند.

لذا دفتر ثبت تجاری اصولاً فقط حاوی نام تاجر است، و در حقیقت فقط مؤید اظهار تاجر به تاجر بودن خویش است، ولی با توجه به ضرورت احراز جنبه های شکلی و ماهوی تاجر بودن اشخاص صرف اظهار و اعلام ایشان برای اثبات تاجر بودن آنان کافی نیست و نمی تواند به تنهایی دلیلی بر تاجر بودن شخص باشد؛ بنا بر این گزینه ۲ صحیح نیست.

از سوی دیگر ثبت نام اشخاص در دفتر ثبت تجاری صرفاً جنبه اعلامی دارد یعنی اداره ثبت شرکت ها در مورد صحت و اعتبار اظهارکننده تحقیق نمی کند، لذا صرف ثبت نام در دفتر ثبت تجاری دارای جنبه اثباتی نیست و نمی تواند دلیل بر تاجر بودن شخص ثبت نام کننده تلقی شود، ولی در عین حال می تواند به عنوان یک اماره قضایی مبنی بر تاجر بودن شخص قابل توجه و استناد باشد و شخص ثبت نام کننده با ارائه دلیل مخالف می تواند تاجر نبودن خود را علی رغم ثبت نام در دفتر ثبت تجاری اثبات کند.

ضمن اینکه باید توجه داشته باشیم که همواره خلاف اماره با ارائه دلیل قابل اثبات است لذا گزینه ۳ نمی تواند صحیح باشد.

گزینه ۱ هم صحیح نیست، زیرا اعلام و اظهار اشخاص ولو به نفع خودشان در هر حال نمی تواند بی اثر باشد.

احتمالاً بدواً ذهن داوطلبان با خواندن سوال به سمت مقررات ناظر بر قابلیت استناد به «دفاتر تجاری» منصرف شده است، مندرجات «دفاتر تجاری» که حاوی بده بستان های شخص تاجر است، در هر حال به عنوان سند عادی قابل استناد خواهند بود، و از آنجا که به نوعی اقرار تاجر نسبت به دیونش تلقی می شود همواره علیه خود او قابل استناد است. مفاد مواد ۱۴ قانون تجارت و ماده ۱۲۹۷ [قانون مدنی](#) نیز ناظر بر همین مطلب می باشند:

^۲ ماده ۱۶- در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط بشغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی باستثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا بجزای نقدی از دویست تا دو هزارریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی: «دفاتر تجاری در موارد دعوای تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب می شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند».

۳۴. کدام مورد در خصوص تصفیه امور ورشکستگی در شهرهای فاقد اداره تصفیه، صحیح است؟

- (۱) صورت برداری از اموال تاجر ورشکسته، توسط عضو ناظر است و قانوناً باید با حضور نماینده دادسرا باشد.
- (۲) هر طلبکاری می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها، حضور به هم رسانیده و نسبت به طلب هایی که در دست رسیدگی است اعتراض کند.
- (۳) صورت برداری از اموال تاجر ورشکسته، توسط مدیر تصفیه است و قانوناً باید با حضور نماینده دادسرا باشد.
- (۴) فروش مال التجاره تاجر ورشکسته، توسط مدیر تصفیه با اجازه دادستان و نظارت عضو ناظر امکان پذیر است.

گزینه ۴ صحیح است

مطابق صدر ماده ۴۵۷ قانون تجارت «مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر بوصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر بفروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید...»، منظور از مدعی العموم همان دادستان در نظام حقوقی کنون است.

گزینه ۲ هم صحیح نیست، طبق ماده ۴۶۴^۳ قانون تجارت، طلبکاری می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکاران حاضر شود حاضر شود و اعتراض کند که طلب او تشخیص یا جزء صورت دارایی منظور شده باشد.

گزینه های ۱ و ۳ صحیح نیستند، چون طبق مواد ۴۵۱^۴ و ۴۵۵^۵ ق.ت صورت برداری توسط مدیر تصفیه انجام می شود و دادستان و دادیاران (صاحب منصبان پارکه) فقط می توانند بر جریان صورت برداری نظارت داشته باشند و حق دخالت ندارند.

^۳ ماده ۴۶۴- هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت بطلب هایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید - همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۵۵ قانون تجارت: «صاحب منصبان پارکه می‌توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور به هم رسانند. مأمورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه به ورشکستگی مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.»

۳۵. قبل از صدور حکم ورشکستگی تاجر، حکمی در محکومیت مالی تاجر به پرداخت مبلغ دین به نفع یکی از طلبکاران صادر و اجرا شده است. بعد از صدور حکم ورشکستگی، دادگاه تاریخ توقف او را قبل از عملیات اجرایی حکم موردی مزبور تعیین نموده است. این امر چه تأثیری نسبت به حکم اجرا شده فوق دارد؟

(۱) عملیات اجرایی مزبور، باطل و بلااثر است.

(۲) عملیات اجرایی مزبور، صحیح و معتبر است.

(۳) اگر حکم نسبت به دیون حال شده تاجر صادر شده باشد، عملیات اجرایی آن هم صحیح است.

(۴) تنها اگر طلب محکوم به، مورد اعتراض برخی از طلبکاران باشد، عملیات اجرایی باطل می‌شود.

گزینه ۱ صحیح است

طبق بند ۲ ماده ۴۲۳^۶ قانون تجارت بعد از توقف تاجر «تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد» باطل و بلااثر است، در همین زمینه رای وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور^۷ هم صادر شده است که بر موضوعیت نداشتن طریق تأدیه دیون تاجر ورشکسته

^۴ ماده ۴۵۱- مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارائی نموده و تاجر ورشکسته را هم در اینموقع احضار میکند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست.

^۵ ماده ۴۵۵- صاحبمنصبان پارکه می‌توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهم‌رسانند. مأمورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه بورشکستگی مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

^۶ ماده ۴۲۳- هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

(۱) هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع بمنقول یا غیر منقول باشد.

(۲) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.

(۳) هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.

^۷ رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

تاکید دارد، و اینکه تأدیه دیون حتی به نحو قهری و از طریق عملیات اجرائی هم که انجام شده باشد مشمول بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت و باطل است.

۳۶. بعد از صدور حکم ورشکستگی، کدام یک از تصرفات زیر، از سوی تاجر ورشکسته نافذ نیست؟

(۱) اجیر شدن در مقابل مبلغی اجرت

(۲) فروش مال متعلق به فرزند صغیر

(۳) اقرار مبنی بر مالکیت مقرّله نسبت به یکی از اموال او

(۴) وصیت نسبت به ثلث اموال و ترکه حین الفوت او جهت تقسیم آن میان فقرا

گزینه ۳ صحیح است

اقرار تاجر ورشکسته موجب مقید شدن اموالش می شود و از این جهت یکی از مصادیق بند ۳ ماده ۴۲۳^۱ قانون تجارت می تواند باشد و اگر به زیان طلبکاران انجام شده باشد باطل است.

گزینه ۱ صحیح نیست چون اجیر شدن تاجر نه تنها به زیان طلبکاران نیست، بلکه می تواند به تأدیه دیون کمک کند و از این جهت بی اشکال است، ولی می توان گفت که اجازه تصرف اجرت را نخواهد داشت.

در مورد گزینه ۲ توجه داشته باشید که تاجر ورشکسته اموال فرزندش را می فروشد، و این نمی تواند مصداقی از تصرف در اموال خودش باشد، در حقیقت با ورشکستگی اراده انشائی تاجر ورشکسته مخدوش نمی شود و منع او از تصرف در اموالش برای محافظت از حقوق طلبکاران است، و این با نوع حجر صغیر یا مجنون که برای محافظت از خود آنان و ناشی از ضعف یا فقدان اراده انشائی آنان است ماهیتاً متفاوت است.

ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است. در بند ۲ و بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تأدیه هرقرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا موجد به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود باطل و بی اثر است. بنابراین در هر مورد که بعد از تاریخ توقف حکمی مستقیماً علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجراء شود کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی اعتبار است ...

^۱ زیرنویس شماره ۶ را ببینید.

در مورد گزینه ۴، وصیت کردن عملاً موجب مقید شدن دارائی تاجر نمی شود و اگر در زمان فوت او چیزی از اموالش پس از تادیه دیون باقی مانده باشد، می تواند موضوع وصیت قرار بگیرد.

۳۷. حکم ادعای خیار نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته چیست؟

- (۱) خیاراتی که وی نسبت به اموال متصرفی خود دارد، فقط توسط مدیر تصفیه و اگر به ضرر طلبکاران نباشد، قابل اثبات و اجراست.
- (۲) اگر دعوی خیار از سوی اشخاص دیگر باشد، قابل اثبات و اجراست اما اگر خود تاجر ادعای خیار نسبت به اموال متصرفی داشته باشد، نمی تواند آن را اجرا کند.
- (۳) خیاراتی که وی نسبت به اموال متصرفی خود دارد، فقط توسط مدیر تصفیه قابل اجراست.
- (۴) **خیاراتی که وی نسبت به اموال متصرفی خود دارد، اگر به ضرر طلبکاران نباشد، می تواند به اجرا گذارد.**

گزینه ۴ صحیح است

طبق مواد ۴۷۴^۹ و ۴۷۵^{۱۰} قانون تجارت، اگر تاجر ادعای خیار نسبت به اموال تحت تصرف خود یا دیگران داشته باشد، می تواند پیش از پایان عملیات تصفیه، شخصاً به اجرا بگذارد، البته به شرط آنکه اعمال خیار مزبور به زیان طلبکاران نباشد.

۳۸. اگر متعاقب ورشکستگی شرکت تضامنی، طلبکاران قرارداد ارفاقی را منحصرأ با چند نفر از شرکا منعقد کنند، کدام مورد از آثار و تبعات قانونی قرارداد ارفاقی نیست؟

- (۱) **امکان تعهد حصه ای از اموال و دارایی شرکت**
- (۲) عدم تقسیم دارایی شرکت میان طلبکاران
- (۳) عدم تقسیم دارایی شرکای طرف قرارداد میان طلبکاران
- (۴) مبرا شدن شرکای طرف قرارداد از مسئولیت تضامنی

^۹ ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصی نسبت باموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیاراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و بموقع اجرا گذارند.

^{۱۰} ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوی خیاراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت باموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه بر ضرر طلبکارها نباشد.

گزینه ۱ صحیح است

با عنایت به مفاد ماده ۵۰۶^{۱۱} قانون تجارت که این سوال عیناً از دل آن طرح شده است، فهمیده می شود که این نوع قرارداد ارفاقی ماهیتاً با قرارداد ارفاقی در مفهوم عام که در ماده ۴۷۹ و بعد قانون تجارت آمده است متفاوت است و یک قرارداد خصوصی بین طلبکاران شرکت و شرکای ضامن است. به همین جهت هم اموال و دارایی شرکت را از تقسیم میان طلبکارها مصون نمی کند. (برای مطالعه بیشتر صفحات ۱۷۱ و ۱۷۲ کتاب ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته دکتر ربیعا اسکینی را بخوانید)

۳۹. اگر مدیر شرکت تضامنی، معامله ای را فراتر از اختیارات خود انجام دهد، معامله مزبور چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است مگر اینکه به محدودیت اختیارات مدیر شرکت در اساسنامه شرکت تصریح شده باشد.
- (۲) صحیح است و محدود کردن اختیارات مدیر شرکت در مقابل اشخاص ثالث، باطل و کان لم یکن است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) صحیح است مگر اینکه طرف معامله از محدودیت اختیارات مدیر آگاه باشد.

گزینه ۳ صحیح است

ماده ۱۲۱^{۱۲} قانون تجارت حدود مسئولیت مدیر شرکت تضامنی را بر اساس ماده ۵۱^{۱۳} همین قانون دانسته است، ماده ۵۱ قانون تجارت مسئولیت مدیر در برابر شرکا را همان مسئولیتی می داند که وکیل در برابر وکلا دارد، البته صحیح آن است که مدیر شرکت تضامنی را در حکم وکیل شرکت بدانیم و نه شرکاء، بنا بر این برای به دست آوردن حدود اختیارات مدیر شرکت تضامنی باید به قواعد عام وکالت مراجعه کرد، طبق ماده ۶۶۳^{۱۴}

^{۱۱} ماده ۵۰۶ - اگر شرکت تضامنی - مختلط یا نسبی ورشکست شود طلبکارها می توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصرأ با یک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند. در صورت ثانی دارائی شرکت تابع مقررات این مبحث و بغیر تقسیم میشود ولی دارائی شخصی شرکائی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است بغیر تقسیم نخواهد شد - شریک یا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی توانند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان - شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت ضمانتی مبری است.

^{۱۲} ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

^{۱۳} ماده ۵۱ - مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسوولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

^{۱۴} ماده ۶۶۳ قانون مدنی - وکیل نمی تواند عملی را که از حدود وکالت اوجار است انجام دهد.

قانون مدنی وکیل اصولاً نمی تواند عملی را خارج از حدود وکالت انجام دهد. با این حال انجام معامله خارج از حدود وکالت محکوم به بطلان نیست و باید قائل به عدم نفوذ آن بود.

۴۰. سود خالص یک شرکت سهامی در پایان سال مالی، یک میلیارد ریال است. اگر در سال مالی قبل، شرکت زیان دهی داشته است، به لحاظ قانونی، کسر کدام مورد مقدم است؟

(۱) جبران زیان های مالی سال قبل

(۲) استهلاک

(۳) یک بیستم از سود خالص شرکت به عنوان اندوخته قانونی

(۴) کلیه ذخیره ها، اعم از اندوخته های قانونی و اختیاری

گزینه ۱ صحیح است

با توجه به مفاد ماده ۲۳۸^{۱۵} ل.ق.ت که می گوید "پس از وضع زیان وارده در سال های قبل" باید ذخیره قانونی از سود خالص کسر شود. از آنجا که حکم این ماده آمره بوده و هر توافقی بر خلاف آن باطل و بلااثر دانسته شده است، باید قائل به این باشیم که جبران زیان های مالی سال قبل بر هر نوع کسورات دیگر از سود خالص مقدم است.

۴۱. در صورتی که گواهینامه عدم پرداخت چک، سه ماه پس از صدور صادر شود، حق رجوع دارنده نسبت به چه کسانی ساقط می شود؟

(۱) بانک تأییدکننده

(۲) ظهرنویسان و ضامنین آنها

(۳) ضامنین

(۴) ضامنین و ظهرنویسان

گزینه ۲ صحیح است

^{۱۵} ماده ۲۳۸- از سود خالص شرکت پس از وضع زیان های وارده در سال های قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

طبق ماده ۳۱۵ قانون تجارت اگر دارنده چک ظرف مهلت ۱۵ روز برای چک هایی که در همان محل صدور باید پرداخت شوند و یا ۴۵ روز برای چک هایی که در نقطه ای از کشور غیر از محل صدور باید پرداخت بشوند، وجه چک را مطالبه نکند دعوای او علیه ظهرنویسان چک مسموع نخواهد بود. البته فرض سوال را خارج از حالتی تصور می کنیم که چک خارج از کشور صادر شده باشد و باید در ایران پرداخت شود چون در این حالت طبق ماده ۳۱۷ قانون تجارت دارنده چهارماه برای مطالبه وجه چک مهلت دارد و پیش از آن هیچ حقی از او سلب نخواهد شد.

از آنجا که اصولاً مسئولیت ضامنین نیز در حد مضمون عنه ایشان است، دارنده چکی که وجه آن در مهلت مطالبه نشده است، تبعاً حق رجوع به ضامنین ظهرنویسان را هم نخواهد داشت. (برای مطالعه بیشتر به صفحات ۲۵۹ تا ۲۶۱ کتاب حقوق تجارت - برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک، دکتر ربیعا اسکینی مراجعه کنید)

گزینه ۴ صحیح نیست، چون مطلق ضامنین چک مبرا نمی شوند، و علی رغم رعایت نشدن مهلت قانونی مطالبه وجه چک، مسئولیت صادر کننده چک و به تبع او مسئولیت ضامنینش باقی خواهد ماند.

۴۲. کدام مورد در خصوص نماینده عضو حقوقی هیئت مدیره شرکت سهامی، صحیح است؟

- (۱) فقط در صورت استعفا، قابل تغییر است.
- (۲) فقط با تصویب مجمع عمومی، قابل تغییر است.
- (۳) غیرقابل تغییر است.
- (۴) به دفعات از سوی شخص حقوقی، قابل تغییر است.

گزینه ۴ صحیح است

مطابق ذیل ماده ۱۱۰ ل.ق.ت «...شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می شود...» چنان که ملاحظه می شود، اولاً نماینده عضو حقوقی هیات مدیره قابل تغییر است و ثانیاً، این تغییر صرفاً منوط به تصمیم شخص حقوقی و اقدامش برای معرفی کتبی جانشین وی می باشد.

رابطه نماینده شخص حقوقی با شخص حقوقی تابع قواعد عام نمایندگی و وکالت است، و هیات مدیره شخص حقوقی می تواند نماینده شخص حقوقی را برای عضویت در هیات مدیره شرکت سهامی تعیین کند و تبعاً هر زمانی هم می تواند او را عزل و نماینده دیگری به طور کتبی معرفی نماید. (برای مطالعه بیشتر به صفحات ۱۷۵ و ۱۷۶ کتاب حقوق تجارت - شرکت های تجاری جلد دوم مراجعه کنید)

گزینه ۱ صحیح نیست، زیرا رکن مدیریت شرکت هیئت مدیره است و انتخاب نماینده شرکت برای عضویت در هیئت مدیره شرکت سهامی از اختیارات خاص مجمع عمومی نیست، لذا هیئت مدیره اختیار و وظیفه تعیین نماینده شخص حقوقی برای عضویت در هیئت مدیره شرکت های سهامی، که شخص حقوقی در آن ها سهام دار است، را خواهد داشت.

۴۳. کدام مورد در خصوص مقایسه میزان سرمایه ثبت شده شرکت تجارتي و سرمایه واقعي شرکت، صحیح است؟

- ۱) همواره مساوی اند.
- ۲) فقط ممکن است سرمایه واقعی، بیشتر باشد.
- ۳) غیرقابل تغییر است.
- ۴) فقط ممکن است سرمایه واقعی، کمتر باشد.

گزینه ۲ صحیح است

سؤال مبهم است، بررسی فرض مساله در جریان حیات و فعالیت شرکت عملاً محال است، سرمایه شرکت به طور مدام به تبع فعالیت اقتصادی شرکت در حال تغییر است، اگر فعالیت شرکت سودآور باشد سرمایه واقعی از سرمایه اسمی و ثبت شده بیشتر خواهد شد و اگر شرکت با زیان مواجه شود سرمایه واقعی از سرمایه ثبت شده کمتر خواهد شد.

بنابراین فرض مساله عملاً فقط در زمان تأسیس شرکت قابل تحلیل است، اگر "سرمایه واقعی" شرکت را مجموع دارایی شرکت بدانیم، فرضی که این دارایی واقعی با ارزش اسمی و ثبت شده سرمایه برابر نباشد قابل تصور است، این فرض در حالتی متصور است که بخشی از آورده ها به صورت اموال غیر مادی مانند حق اختراع، حق تالیف، حق ارتفاق، حق انتفاع، صنعت و حرفه و... باشد، در این حالت این بخش از آورده ها که دارای ارزش

مالی هستند، تقویم می شوند ولی وارد سرمایه شرکت نمی شوند. (برای مطالعه بیشتر به صفحات ۲۶ تا ۳۰ کتاب حقوق تجارت - شرکت های تجاری جلد دوم مراجعه کنید)

۴۴. مدیران شرکت به استناد مصوبه مجمع عمومی، کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت را تبدیل به وجه نقد می کنند، این اقدام به خودی خود چه تأثیری در حیات شرکت دارد؟

(۱) تأثیری در حیات شرکت ندارد.

(۲) موجب بطلان شرکت است.

(۳) در حکم بلاموضوع شدن شرکت است.

(۴) در حکم انحلال شرکت است.

گزینه ۴ صحیح است

سؤال مبهم است، در این موارد یا باید در متن سوال توضیح بیشتری داده شود یا اینکه طراح با حذف گزینه های موجد تردید، تنها یک گزینه صحیحی قطعی را باقی بگذارد.

در فرض سؤال بر حسب اینکه اموال منقول و غیر منقول فروخته شده، تشکیل دهنده موضوع فعالیت شرکت بوده اند یا نه، دو حالت قابل تصور است؛ در حالت نخست که اموال فروخته شده موضوع فعالیت شرکت را تشکیل می داده اند، فروش آنها حتی با رعایت مقررات شکلی موجب بلاموضوع شدن شرکت خواهد شد که به حکم بند ۱ ماده ۱۹۹^{۱۶} لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ (که ازین پس در این نوشته به صورت ل.ق.ت می آید) یا بند ۱ ماده ۹۳ قانون تجارت، موجب انحلال شرکت می شود، در این فرض گزینه ۴ صحیح است. مثلاً اگر موضوع شرکت انجام فعالیت تولیدی در کارخانه مشخصی باشد و هیأت مدیره کارخانه مذکور را بفروشند این عمل منتهی به منتفی شدن موضوع شرکت و غیر ممکن شدن انجام آن می شود.

^{۱۶} ماده ۱۹۹- شرکت سهامی در موارد زیر منحل میشود :

- ۱- و قتیکه شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد .
- ۲- در صورتیکه شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد .
- ۳- در صورت ورشکستگی
- ۴- در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام بهر علتی رأی بانحلال شرکت بدهد
- ۵- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

ولی در حالت دوم اگر اموال شرکت تشکیل دهنده موضوع آن نباشند، مثلاً یک شرکت که با موضوع بازرگانی تشکیل شده است، ممکن است نه تنها مال التجاره منقول خود را بفروشد، بلکه فرضاً دفتر یا انبار و اموال غیر منقول این چنین خود را هم به منظور جابجایی یا توسعه و... بفروشد. در این حالت فروش اموال شرکت تأثیری در حیات شرکت نخواهد داشت و گزینه ۱ صحیح خواهد بود.

البته باید توجه داشت که در حالت دوم نیز فقط اگر فروش اموال به طور موقت بوده و دخل و تصرفی در وجود ناشی از فروش نشود می توان قائل به عدم تاثیر این اقدام در حیات شرکت بود. بدیهی است که موضوع هیچ شرکت تجاری نمی تواند مثلاً نگهداری وجه نقد در حساب بانکی باشد و چنین شرکتی عملاً شرکت بدون موضوع فعالیت خواهد بود.

۴۵. شهرام ضمن خرید کالا از بابک، یک فقره چک به مبلغ ۵ میلیارد ریال صادر و ملک مسکونی خود را نیز وثیقه پرداخت بدهی خود به بابک قرار می دهد. چک با ظهرنویسی در اختیار بهروز قرار می گیرد. در صورتی که چک با عدم پرداخت مواجه شود، کدام مورد در خصوص نحوه وصول، صحیح است؟

- ۱) دارنده حق دارد همزمان وجه چک و اجرای وثیقه را درخواست کند.
- ۲) دارنده حق دارد ابتدا وجه چک را مطالبه کند و در صورت امتناع، اجرای وثیقه را درخواست کند.
- ۳) دارنده فقط حق دارد اجرای وثیقه را درخواست کند.
- ۴) دارنده فقط حق دارد وجه چک را مطالبه کند.

گزینه ۴ صحیح است

باید توجه داشت که وثیقه برای اصل دین قرارداد شده است، و اگر وجه چک قابل وصول نبود، بابک می توانست نسبت به وثیقه نیز به شهرام رجوع کند. ولی وقتی سند تجاری منتقل می شود ارتباط آن با منشاء قطع می شود و در این حالت بهروز که دارنده منفصل سند تجاری است نمی تواند به تعهدات و تضمینات منشاء دین رجوع کند، این حالت را به نوعی می توان اثر منفی وصف تجریدی سند تجاری دانست. (برای مطالعه بیشتر به صفحه ۱۰۶ کتاب حقوق تجارت - برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک، دکتر ربیعا اسکینی مراجعه کنید)

ولی اگر فرضاً چک مذکور قابل وصول نباشد و سند دوباره به دست بابک برسد، وی خواهد توانست هم وجه چک و هم وثیقه را مطالبه کند.

۴۶. تعداد کل سهامداران شرکت سهامی ۱۰۵ نفر و تعداد سهام حاضر در مجمع عمومی عادی ۹۵ است. در این صورت، اکثریت مطلق آرا با چه تعداد رای مثبت سهم، محقق می شود؟

(۱) چهل و نه

(۲) چهل و هشت

(۳) پنجاه و چهار

(۴) پنجاه و سه

گزینه ۱ یا ۲ صحیح است

صورت سوال دارای اشکالاتی است:

اولاً- تعداد سهام حاضر در مجمع عمومی الزاماً تعداد آراء را مشخص نمی کند، چون اولاً ممکن است برخی سهام ممتاز دارای حق رای بیشتری باشند. ثانیاً ممکن است در اساسنامه شرکت حداقلی برای تعداد سهام جهت دارا شدن حق رای در مجمع پیش بینی شده باشد. به این ترتیب اگر فرضاً حداقل تعداد سهام ده سهم تعیین شده باشد ممکن است برخی از سهامداران با کمتر از این تعداد سهام در مجمع حاضر باشند ولی منفرداً نخواهند توانست در رای گیری شرکت کنند.^{۱۷} ثالثاً ممکن است به عللی برخی از صاحبان سهام محروم از حق رای باشند مانند صاحب سهامی که کل مبلغ اسمی سهام خود را با وجود اخطار شرکت و مضي مهلت های مقرر در مواد ۳۵ و ۳۷ ل.ق.ت پرداخت نکرده باشد یا دارنده سهامی که طبق مواد ۴۳ به بعد ق.ل.ت برای تعویض آن مراجعه نکرده باشد. لذا بهتر بود در صورت سؤال توضیح داده می شد که تعداد سهام حاضر همگی عادی و دارای حق رای هستند.

^{۱۷} صفحه ۱۴۳ جلد دوم کتاب حقوق تجارت - شرکت های تجاری دکتر ربیعا اسکینی

ثانیاً- طراح سوال نظر به ماده ۸۸^{۱۸} ل.ق.ت داشته است، در این ماده نصاب اعتبار تصمیمات «نصف بعلاوه یک رای» تعیین شده است، در حالی که این نصاب منطبق با تعریف ریاضی «اکثریت مطلق» که در متن سوال آمده است نیست، هرچند به نظر می رسد قانونگذار به قرینه تعیین نصاب «اکثریت نسبی» در ادامه همین ماده برای انتخاب مدیران و بازرسان آورده است، در مورد سایر تصمیمات مجمع هم نظر به «اکثریت مطلق» داشته است، ولی به نظر نمی رسد در این مورد بتوانیم در نص وارد تفسیر بشویم و با توجه به آثار حقوقی سنگین متصور بر آن باید به ظاهر ماده عمل کنیم.

در توضیح تفاوت مفهوم اکثریت نسبی و اکثریت مطلق به طور مختصر می توان گفت منظور از اکثریت مطلق، تعداد بیش از نیمی از جامعه آماری است، مثلاً اگر جامعه آماری ما شامل ۱۰ عنصر غیر قابل تجزیه (مانند رایی که در مجامع عمومی داده می شود) باشد، ۶ رای اکثریت مطلق را تشکیل خواهند داد، در این فرض اکثریت مطلق با نصاب نصف بعلاوه یک از نظر ریاضی برابر خواهد بود.

ولی اگر جامعه آماری ما شامل ۱۱ رای باشند، نصف بعلاوه یک این تعداد برابر ۶/۵ خواهد شد، از آنجا که نیم رای قابل تصور نیست و برای اینکه حد نصاب نصف بعلاوه یک رعایت شود، باید قائل باشیم که برای کسب حد نصاب نیاز به ۷ رای داریم، در حالی که در همین فرض (جامعه آماری با ۱۱ رای) تعداد ۶ رای اکثریت مطلق دارند، زیرا از پنج و نیم که نیمی از کل آرا است بیشتر است.

اکثریت نسبی بیشترین میزان آرا کسب شده با هر نسبتی خواهد بود، مثلاً اگر از جمع ۱۱ حق رای ۴ رای به یک نامزد مدیریت شرکت و ۳ رای به یک نامزد دیگر و ۱ رای به نامزد دیگر داده شود، نامزدی که ۴ رای کسب کرده است حائز اکثریت نسبی شناخته می شود.^{۱۹}

نهایتاً اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ ریاضی بدهیم، چون نصف عدد ۹۵ برابر ۴۷/۵ می شود، تعداد ۴۸ رای حد نصاب اکثریت مطلق آراء را خواهد داشت، ولی اگر منظور تصویب و اعتبار تصمیمات مجمع عمومی باشد، از آنجا که حتی در اساسنامه هم نمی توان اکثریت کمتری از میزان مقرر در ماده ۸۸ ل.ق.ت تعیین کرد^{۲۰}، برای

^{۱۸} ماده ۸۸- در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود ...

^{۱۹} به زیرنویس صفحه ۱۴۹ کتاب حقوق شرکت های تجاری دکتر کورش کاویانی مراجعه کنید

^{۲۰} صفحه ۳۴۴ کتاب شرکت ها (گزیده آموزشی) دکتر محمد صقری

اعتبار مصوبات مجمع عمومی در فرض سوال نیاز به ۴۹ رای مثبت خواهیم داشت زیرا نصف بعلاوه یک کل آراء برابر ۴۸/۵ رای خواهد شد و چون نصف رای متصور نیست نیاز به ۴۹ رای خواهیم داشت.

۴۷. محمد به اتکای طلبی که از جواد دارد، براتی را در وجه علی و بر عهده جواد صادر می کند محمد ورشکسته می شود و مدیر تصفیه، طلب محمد را از جواد وصول می کند. وضعیت پرداخت برات چگونه است؟

(۱) دارنده فقط می تواند در هیئت گرمایی محمد، داخل شود.

(۲) دارنده مقدم بر هیئت گرمایی، وجه برات را دریافت می کند.

(۳) جواد نسبت به پرداخت وجه برات، دیگر مسئولیتی ندارد.

(۴) جواد همچنان در برابر دارنده، مسئول است.

گزینه ۱ صحیح است

سوال ابهام دارد، باید مشخص می شد که آیا براتگیر برات را قبول کرده است یا نه، اگر جواد برات را قبول کرده باشد به موجب ماده ۲۴۹^{۲۱} ق.ت در هر حال مسئولیت تضامنی برای پرداخت وجه برات خواهد داشت، ولی اگر جواد برات را قبول نکرده باشد، حتی بر فرض اینکه محل برات به او رسیده باشد، می تواند از پرداخت امتناع کند^{۲۲} و دارنده برات باید به سایر مسئولان برات رجوع کند.

^{۲۱} ماده ۲۴۹- برات دهنده- کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا بچند نفر یا بتمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع بسایر مسئولین برات نیست- اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

^{۲۲} طبق صدر ماده ۲۴۹ و همچنین مفهوم مخالف ماده ۲۳۰ قانون تجارت برات گیری که قبول نکرده است می تواند وجه برات را تأدیه نکند: ماده ۲۳۰- قبول کننده برات ملزم است وجه آنرا سر وعده تأدیه نماید.

از سوی دیگر طبق ماده ۲۵۱^{۲۳} ق.ت. دارنده برات می تواند برای مطالبه وجه برات وارد غرماء مسئولان برات که ورشکسته شده اند بشود، بنا بر این در فرضی که جواد برات را قبول کرده باشد، دارنده برات می تواند به تبع مسئولیت تضامنی ایشان هم در غرمای محمد وارد شود و هم اینکه به جواد مراجعه کند، ولی اگر جواد برات را قبول نکرده باشد، دارنده برات فقط می تواند در غرمای محمد (صادر کننده برات که ورشکسته شده است) وارد شود، همچنین چون طلب دارنده برات ممتاز نیست، هیچ امتیازی در هیات غرمائی محمد نخواهد داشت.

نهایتاً از میان گزینه های ۱ و ۴ که می توانند با توجه به دو فرض ممکن صحیح باشند، می توانیم گزینه ۱ را ترجیح بدهیم، چون در فرض سؤال فقط به صدور برات به اتکای طلب از برات گیر اشاره شده و اشاره ای به قبولی برات از سوی جواد نشده است، بنا بر این بررسی و تحلیل سؤال با فرض عدم قبولی برات مرجح است، هر چند سؤالات مبهم به هرحال محل اشکالات جدی هستند.

نکته مبنایی در این بحث، انتقال نیافتن محل اسناد تجاری با صدور آنان به دارنده است، یعنی با صدور سند تجاری محل آن به ملکیت دارنده سند در نمی آید و همچنان در ملکیت صادر کننده باقی می ماند، بر همین مبنا هم مدیر تصفیه توانسته است محل برات را از برات گیر مطالبه کند. (برای مطالعه بیشتر به صفحه ۷۷ کتاب حقوق تجارت - برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک، دکتر ربیعا اسکینی مراجعه کنید).

۴۸. سعید به عنوان مدیر و دارنده حق امضای یک شرکت تجاری، بابت اخذ تسهیلات بانکی برای شرکت، سفته ای را از طرف شرکت صادر و آن را مهر و امضا می کند. در خصوص این سفته، وی چه مسئولیتی دارد؟

۱) همراه با شرکت، در برابر دارنده، متضامناً مسئول هستند.

۲) به عنوان صادرکننده، به همراه سایر امضاکنندگان سفته، در برابر دارنده مسئولیت تضامنی دارد.

۳) شخصاً تعهد و مسئولیتی ندارد.

^{۲۳} ماده ۲۵۱- هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید - مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که بصاحب چنین طلب پرداخته میشود بمدير تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارائی تمام ورشکستگان بصاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید بترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند - جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که بسایر ورشکسته ها حق رجوع دارند. تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

۴) همراه با شرکت، در برابر دارنده، مشترکاً مسئول هستند.

گزینه ۳ صحیح است

مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک، «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضا متضامناً مسئول پرداخت وجه چک...» خواهند بود.

اما باید توجه داشت که حکم این ماده مخصوص چک بوده و خلاف قاعده است و قابل تسری به سفته نیست و در مورد سایر اسناد تجاری می بایست به قواعد کلی وکالت و نمایندگی رجوع کنیم.

در این راستا ماده ۶۷۴ قانون مدنی مقرر می دارد «موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است، انجام دهد.»

قضات دادگاه های حقوقی ۲ تهران نیز در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۱۸ به اتفاق آراء چنین اظهار نظر کرده اند که «...چنانچه وکیل در حدود اختیارات خود از جانب موکل سفته را امضا کرده باشد، موکل نسبت به آن سند مسئول و متعهد شناخته می شود نه وکیل».

۴۹. حسن در ازای فروش پنج تن مواد اولیه به شرکت سهامی بهروان، یک فقره چک به سررسید ۹۴/۴/۱ دریافت می کند. شرکت در تاریخ ۹۳/۱۱/۱ تصمیم می گیرد سرمایه خود را کاهش دهد. در صورت اعتراض حسن به کاهش سرمایه و وارد بودن اعتراض، تصمیم و رأی دادگاه پیش از سررسید چک چگونه است؟

۱) اگر شرکت جهت تأمین پرداخت، وثیقه کافی نسپارد بدهی او حال شده و دادگاه حکم به پرداخت وجه چک می دهد.

۲) به دلیل فرا نرسیدن سررسید چک، امکان توقیف اموال وجود ندارد و دعوای مطالبه وجه چک نیز بر اساس ماده ۳ مکرر [قانون صدور چک](#)^{۲۴} رد می شود.

۳) بلافاصله دین ناشی از صدور چک حال شده و دادگاه به پرداخت آن حکم می کند.

^{۲۴} ماده ۳ مکرر قانون چک (الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲): چک فقط در تاریخ مندرج در آن و با پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

۴) دادگاه به درخواست حسن، نخست اموال شرکت را توقیف و سپس به پرداخت وجه چک حکم می کند.

گزینه ۱ صحیح است

سوال از متن مواد ۱۹۲، ۱۹۳ و ۱۹۴ ل.ق.ت.^{۲۵} طرح شده است، توضیح اینکه چون «منشاء» طلب حسن که بیع بوده، مقدم بر تصمیم شرکت به کاهش اختیاری سرمایه است، به تصریح ماده ۱۹۳ ل.ق.ت. باید ظرف دو ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی مربوط به تصمیم شرکت برای کاهش اختیاری سرمایه اعتراض خود را به دادگاه اعلام کند. در این صورت اگر دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد و شرکت جهت تأمین پرداخت وجه چک در سر رسید وثیقه ای که به نظر دادگاه کافی باشد نسپارد، دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد.

۵۰. در صورتی که به دلیل عدم رعایت مقررات تشکیل شرکت سهامی، حکم به بطلان صادر شود و در مرحله تجدیدنظر خواهی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد، تصمیم دادگاه چه خواهد بود؟

۱. قرار سقوط دعوی

۲. نقض رأی و ارجاع به شعبه بدوی برای صدور رأی مقتضی

۳. رد دعوی

۴. تأیید حکم بطلان

گزینه ۴ صحیح است

^{۲۵} ماده ۱۹۲- هیأت مدیره قبل از اقدام بکاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یکماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی کند .

ماده ۱۹۳- در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانیکه منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد میتوانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت بکاهش سرمایه شرکت بدادگاه تقدیم کنند .

ماده ۱۹۴- در صورتیکه بنظر دادگاه اعتراض نسبت بکاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه ایکه بنظر دادگاه کافی باشد نسپارد در اینصورت آن دین حال شده و دادگاه حکم بپرداخت آن خواهد داد .

حکم دادگاه مبنی بر بطلان شرکت جنبهٔ اعلامی دارد، حکم مواد ۲۷۱ و ۲۷۲ ق.ل.ت^{۲۶} جنبهٔ استثنائی و ارفاقی دارد، بنا براین باید مفاد این دو ماده را به طور مضیق و فقط در موارد مصرح مجری بدانیم، بنا براین فقط رفع موجبات بطلان پیش از صدور حکم در مرحلهٔ بدوی را می توان موجب صدور قرار سقوط دعوا دانست و پس از صدور حکم بدوی و حتی با رفع موجبات بطلان در مرحلهٔ تجدیدنظرخواهی برای دادگاه تکلیفی برای نقض دادنامهٔ بدوی از این جهت ایجاد نخواهد شد.

پاسخ تشریحی سوالات درس های دیگر آزمون قضاوت ۹۵ را از اینجا دریافت کنید

برای پیگیری اخبار آزمون قضاوت در پایگاه خبری اختبار اینجا کلیک کنید

→ برای عضویت در کانال تلگرام اختبار اینجا کلیک کنید ←

→ برای عضویت در خبررسان تلگرام اختبار اینجا کلیک کنید ←

→ برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اختبار اینجا کلیک کنید ←

→ برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اختبار عضو شوید ←

^{۲۶} از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت :

ماده ۲۷۱- در صورتیکه قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد .

ماده ۲۷۲- دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است میتواند بنا بدرخواست خوانده مهلتی که از ششماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر بدادگاه است. در صورتیکه ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد .